

آیا بریکس نظم سرمایه‌داری را به چالش می‌کشد؟

تأليف
دکتر اقتصاد

فریبرز مسعودی



مقدمه: زمینه‌های ظهور بریکس

ایده‌ی شکل‌گیری گروهی متشکل از اقتصادهای نوظهور تاریخی طولانی دارد، اما در پی بحران مالی سال ۲۰۰۸ که در امتداد مجموعه تحولاتی به وقوع پیوست که نشانگر تزلزل هژمونی بلوک غرب بر نظام جهانی سرمایه‌داری بود، ظهور بلوک بریکس (متشکل از چین، روسیه، هند، برزیل و آفریقای جنوبی) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات ژئوپلیتیکی قرن بیست‌ویکم مطرح شده است. این اتحادیه که پنج کشور اصلی عضو آن نماینده‌ی بیش از ۴۰٪ جمعیت جهان و حدود ۳۰٪ اقتصاد جهانی است، نه به‌عنوان بدیلی برای سرمایه‌داری، بلکه به‌مثابه بازگیری جدید در عرصه‌ی اقتصاد چندقطبی جهانی متولد شد. اما آیا بریکس واقعاً می‌تواند نظم دلارمحور را متحول کند؟ یا صرفاً بازتابی از بحران‌های درونی سرمایه‌داری جهانی است؟

۱. بحران نولیبرالیسم و زایش بریکس

۱-۱ - شکست مدل برتون‌وودز و بن‌بست پروژه‌ی نولیبرال

بحران انباشت سرمایه در اقتصادهای غربی پس از شکست دوران طلایی سرمایه‌داری (۱۹۷۳-۱۹۴۵) که با «کاهش نرخ سود» (به‌طور متوسط از ۱۵٪ به ۵٪ در آمریکا) و تورم همزمان با کاهش رشد اقتصادی و افزایش بیکاری (رکود تورمی) همراه بود،^۱ موجب فروپاشی سیستم برتون‌وودز شد که از دل آن پروژه‌ی نولیبرالیسم به عنوان بدیل اقتصاد کینزی با سه محور اصلی ظهور کرد:

- مالی‌سازی اقتصاد: طبق آمارهای اعلامی سهم بخش مالی از تولید ناخالص داخلی GDP آمریکا از ۱۵٪ به ۲۱٪ طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۰ افزایش یافت. (آمار سهم بخش مالی به‌تنهایی و بدون در نظر گرفتن بیمه‌ها و صندوق‌های مالی در آمریکا حدود ۸٪ گزارش شده است).^۲

- جهانی‌سازی تولید: ابتدا به انتقال صنایع آلاینده، کارگربر و با فناوری پایین به جنوب جهانی آغاز شد و با افزایش نرخ استثمار، بخش‌های بزرگ‌تری از صنایع به جنوب جهان منتقل شدند. صنعتی‌شدن کشورهایی چون چین در این روند باعث شکست این سیاست گردید.

آیا بریکس نظم سرمایه‌داری را به چالش می‌کشد؟

- کاهش سهم نیروی کار: پیامد افزایش شدید نرخ استثمار کاهش سهم دستمزد از GDP در کشورهای عضو سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه از ۶۵٪ به ۵۸٪ طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۵ بود.^۳

- پیامدها

- تبدیل اقتصاد به «کازینوی جهانی» با گسترش ابزارهای مالی مشتقه (از ۱۰۰ میلیارد دلار در ۱۹۸۰ به ۱۰۲ کوادریلیون دلار در ۲۰۰۸).^۴

- حکمرانی بازارهای مالی: صندوق‌های سرمایه‌گذاری (مانند بلک‌راک) با کنترل ۱۰ تریلیون دلار دارایی، امروز بر سیاست‌های دولتی مسلط‌اند. در واقعیت بازارهای مالی نرخ‌های بهره را تعیین می‌کنند و دولت‌ها اجرا.

۲-۱. ظهور پوپولیسم راست‌گرا

شکست نولیبرالیسم و سلطه‌ی سرمایه‌ی مالی بر اقتصادهای سرمایه‌داری غرب و شکست جهانی‌سازی به برآمدن جریان‌های راست افراطی مانند ترامپیسم در آمریکا انجامید که با ترکیب حمایت‌گرایی تجاری (تعرفه‌های ضدچینی و در برابر اتحادیه‌ی اروپا) و آزادسازی مالی با شعار «اول آمریکا» گونه‌ای نئومرکانتیلیسم مالی‌شده را پیش می‌برد و بحران مشروعیت نظام‌های اروپامحور را تشدید کرده و چالش‌های جدی برای ادامه‌ی هژمونی دلار ایجاد کرده. از جمله:

- رقابت ناممکن با چین: تولید ناخالص چین تا ۲۰۳۵ از آمریکا پیشی خواهد گرفت.

- شکاف با متحدان (اتحادیه‌ی اروپا، ژاپن) که به تضعیف سیستم دلار کمک می‌کند.

- شورش طبقاتی محتمل در خیابان‌های آمریکا به‌ویژه پس از جنبش اشغال وال‌استریت که همواره کانون مبارزات توده‌های مزدبگیر، سیاهان، رنگین‌پوستان و مهاجران لاتین‌تبار علیه سیاست‌های ضد اجتماعی سرمایه‌داری بحران‌آفرین ایالات متحد آمریکا بوده است.

۲. بریکس: اهداف و تناقض‌ها

۱-۲. ادعاهای کلیدی

چین، روسیه، هند و برزیل چهار کشور بزرگ و پرجمعیت جهان که با اضافه شدن آفریقای جنوبی چهار منطقه‌ی آفریقا، آسیا، آمریکای جنوبی و اورآسیا را نمایندگی می‌کنند، بیش از ۴۰ درصد جمعیت جهان را در خود جای داده‌اند و سهم آن‌ها از اقتصاد جهان اندکی بیش از ۳۰٪ است. این پنج کشور با تشکیل گروه بریکس اعتقاد دارند سازوکارهای این گروه می‌تواند با کمک به بازرگانی جهانی و مراودات مالی و پولی با نظامی جدید به رشد و توسعه‌ی این کشورها و در نتیجه به بهبود اوضاع اقتصاد جهانی و بهبود شرایط زیست میلیاردها تن از نسل بشر نقش بازی کند. اعضای این گروه سیاست خود را اصلاح ساختارهای تجاری و مالی جهانی تعیین کرده و همگرایی و تجارت آزاد را به رویارویی و مقابله با آمریکا و غرب ترجیح می‌دهند. آن‌ها با تمرکز بر توسعه‌ی جنوب جهانی اهرم‌های مالی و تجاری خود از جمله بانک توسعه‌ی جنوب- جنوب را با سرمایه‌ی صد میلیارد دلاری تأسیس کرده‌اند و روابط تجاری میان خود را نیز گسترش داده (در هنگام نوشتن این مقاله میزان مبادلات بازرگانی میان کشورهای عضو از یک تریلیون دلار گذشته است) و تا حدودی ارزش‌های دیگر را وارد مراودات تجاری و مالی خود کرده و به تدریج در پی سازوکارهایی برای ایجاد سامانه‌ی پیام‌رسان پولی خودشان به جای سوئیفت که زیر سلطه‌ی آمریکاست هستند.^۵ مهم‌ترین اعضای این گروه چین، هند، برزیل و روسیه با سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و بهبود زیرساخت‌های تولیدی (برزیل) و توزیعی (هند) افزایش سطح زیرکشت (چین و روسیه) در تلاش هستند تا مواد غذایی را ارزان‌تر و مطمئن‌تر در بازارهای جهانی دور از سلطه‌ی انحصارهای کارتل‌های غرب عرضه کنند. بیشتر کشورهای اصلی پیمان بریکس سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در ایجاد یا بهبود فناوری‌های پیشرفته و رباتیک و همچنین اقتصاد سبز و تولید انرژی‌های پاک انجام داده‌اند. دولت‌های درحال توسعه که در سال‌های گذشته علی‌رغم همه‌ی کوشش‌هایی که به خرج داده‌اند نتوانسته‌اند آن‌گونه که فکر می‌کردند جایگاه درخوری در اقتصاد جهانی بیابند، یا در اثر فشارهای غرب دچار رکود یا به حاشیه‌ی اقتصاد جهانی رانده شده‌اند، از عربستان و ایران گرفته

آیا بریکس نظم سرمایه‌داری را به چالش می‌کشد؟

تا آرژانتین و مکزیک و مصر و ترکیه و ... یا به این پیمان پیوسته‌اند یا در صف پیوستن به آن هستند تا به این وسیله شرکای اقتصادی خود را متنوع کرده و به اقتصاد خود سامان بخشند.

به‌طور کلی اهداف یا ادعاهای بریکس را می‌توان در سه بخش یا محور خلاصه کرد:
- کاهش وابستگی به دلار: تأسیس «بانک توسعه‌ی جنوب-جنوب» با سرمایه‌ی ۱۰۰ میلیارد دلاری.^۶

- افزایش مبادلات درون گروهی: تجارت داخلی بریکس از ۱ تریلیون دلار فراتر رفته است.^۷

- تمرکز بر توسعه‌ی زیرساخت‌ها: سرمایه‌گذاری در کشاورزی (برزیل)، فناوری‌های سبز (چین)، و انرژی‌های پاک (روسیه).

۲.۱. آیا بریکس نظم جهان سرمایه‌داری را به چالش می‌کشد؟

۱. اقتصاد جهان در دهه‌های گذشته بیش از پیش درهم تنیده است به گونه‌ای که هیچ کشوری حتی منزوی‌ترین آن‌ها نمی‌تواند بدون ارتباط اقتصادی و تجاری با سایر کشورها ادامه حیات دهد. از این‌رو هرگونه تهدید روابط تجاری و مالی جهانی می‌تواند پیامدهای ناگواری برای اقتصادهای توسعه‌یافته و در حال توسعه داشته باشد.

۲. اقتصاد هر پنج کشور اصلی بریکس به‌طور گسترده با اقتصاد و تجارت جهانی درهم تنیده و در آن ادغام شده‌اند. رشد اقتصادی چین تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی جهان دارد و رکود آن می‌تواند به رکود اقتصادی غرب دامن بزند.

۳. جز چین که رهبری حزب کمونیست سیاست‌های اقتصادی آن را مشخص می‌کند در چهار کشور اصلی دیگر عضو بریکس دولت بارها دست به دست شده است. در دوره‌ی گذشته در برزیل «بولسونارو» راست افراطی سکندار این کشور و در نتیجه نماینده‌ی آن در نشست‌های بریکس بود ولی این بار «لولا داسیلوا» چپ‌گرا رئیس‌جمهور این کشور است، یا «مودی» از حزب راست افراطی «بهاراتیا» متحد «ترامپ» در هند قدرت را در دست دارد که از قضا رقابت درازمدت ژئوپلیتیکی، تاریخی و ناسیونالیستی با چین دارد.

۴. اگرچه اعضای بریکس هر یک بر کاهش نقش دلار در مبادلات بازرگانی میان خود اشاره کرده‌اند اما هنوز حجم و موارد کمی از به‌کاربردن ارزهای ملی در مبادلات میان اعضا دیده شده است، بانک مرکزی چین قوی‌ترین اقتصاد و بزرگ‌ترین بازار موجود در بریکس هم‌چنان دارای بزرگ‌ترین ذخیره‌ی ارزی دلار است، و هنوز مشخص نیست بریکس تا چه میزان توانسته بر افزایش مبادلات پولی و مالی با ارز ملی میان اعضا تأثیر گذاشته باشد.

۲-۲. تناقض‌های ساختاری

۱. وابستگی به دلار: ذخایر ارزی چین (۳ تریلیون دلار) هنوز مبتنی بر دلار است، بنابراین پرسشی که طرح می‌شود این است که چگونه این کشور خواهد توانست نظم دلارمحور را تغییر دهد؟

۲. رقابت‌های درونی:

- تنش هند و چین بر سر مرزهای هیمالیا.

- عضویت هند در پیمان ضدچینی QUAD.

۳. تحریم‌های روسیه: چگونه کشوری تحت تحریم‌های شدید می‌تواند نظام مالی جدیدی بسازد؟

۴. چالش هژمونی چین: آیا بریکس ابزار پکن برای جایگزینی هژمونی آمریکا و به‌طور کلی پروژه‌ی چینی برای اعمال هژمونی آن بر جهان یا دست‌کم بر بخشی از جهان چندقطبی آینده است؟

۳. سناریوهای آینده

۳-۱. خوش‌بینانه: گذار تدریجی از جهان تک‌قطبی کنونی به چندقطبی‌گرایی

- گسترش مبادلات با ارزهای ملی (مثلاً روپیه، یوان، روبل).

- گسترش پهنه‌ی جغرافیایی و اقتصادی با جذب اعضای جدید (ایران، عربستان، آرژانتین، ترکیه).

آیا بریکس نظم سرمایه‌داری را به چالش می‌کشد؟

۳-۲. بدبینانه: فروپاشی به دلیل تناقض‌های درونی و بیرونی

- تشدید رقابت هند و چین.

- تداوم تحریم‌های روسیه.

- فشارهای کارساز آمریکا بر اعضا

۳-۳. واقع‌بینانه: اصلاح نظام موجود

در مجموع آنچه از گفتار و کردار اعضای این پیمان برمی‌آید، بریکس نه پیمانی «ضد سرمایه‌داری» است و نه «ضد غرب»، بلکه می‌کوشد سهم بیشتری از کیک اقتصاد جهانی را به جنوب منتقل کند.

نتیجه‌گیری: بریکس به مثابه بازتاب بحران سرمایه‌داری

بریکس محصول بحران ساختاری نولیبرالیسم و افول نسبی هژمونی آمریکاست. اما تناقض‌های درونی آن نشان می‌دهد که این پیمان بیش از آن که «علیه سیستم» باشد، «بازاری برای تعدیل نظم موجود» است و آینده‌ی آن به توانایی اعضا در مدیریت رقابت‌های ژئوپلیتیک و کاهش وابستگی به دلار بستگی دارد.

^۱ ارقام مربوط به نرخ بیکاری و تورم Labour Research Department, s ۱۸ مه

۱۹۷۵ به نقل از کتاب Capitalism in Crisis: Inflation and the State

^۲ سهم بخش مالی آن از تولید ناخالص داخلی از ۲.۸٪ در سال ۱۹۵۰ به ۴.۹٪ در سال ۱۹۸۰ و به ۸.۳٪ در سال ۲۰۰۶ افزایش یافت (گرینوود و شارفستاین، ۲۰۱۳)، در حالی که طبق گزارش NBER، سهم آن از کل سود شرکت‌ها از ۱۴٪ در سال ۱۹۸۰ به تقریباً ۴۰٪ تا سال ۲۰۰۳ افزایش یافته است.

^۳ https://www.oecd.org/oe.cd/reports/2015/04/structural_reforms_and_income_distribution (EN)

^۴ Bank for International Settlements/
https://www.bis.org/publ/otc_hy0905.pdf

^۵ حجم دقیق مبادلات غیردلاری در بریکس (۳۰٪ از تجارت چین و روسیه با یوان و روبل). 90% مبادلات بازرگانی خارجی روسیه با کشورهای عضو بریکس با روبل انجام می‌شود.
- سهم بریکس از ذخایر طلای جهانی (۲۵٪).

6

<https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A8%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%B3>

^۷ خبرگزاری ایسنا ۶ تیر ۱۴۰۴